



مخط
تیرداد تبرزاده

خطِ مشی

تیرداد تبرزاده

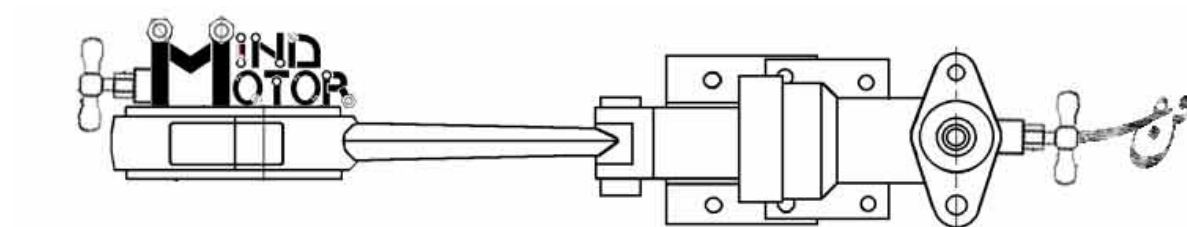
مجموعه شعر

و

جملات قصار

و

وصیت‌نامه



تمامی حقوق برای سایت مایند موتور محفوظ می باشد

عنوان کتاب: خطِ مشی

مؤلف: تیرداد تبرزاده

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۸۷

نشر الکترونیک **MindMotor**

تقدیم به زلم

که فاحشگی را به من آموخت

تقدیم به کیرم

به پاس تمام شق دردی هایش

تقدیم به خواهرم

که به پسر همسایه داد، ولی به من نداد

تقدیم به کون شما
که راهِ گریز من است

بمانم یا بمالم؟
یا در فاصله‌ی این دو بنالم؟
ترجیحِ شما در مقامِ شما چیست؟
من بی رضایتِ خاطرِ شریف‌تان محالم

مقدمه‌ای در مقامِ وصیت‌نامه کاسه یا استحاله‌ی یک مرد در کس

در کاسه، عکسِ کسِ یار افتاده بود
کاسه را کردم
خطاب آمد:
آن‌چه را کردی سرابِ کسِ ما بیش نبود

با کاسه‌ام که شبیه کلاه است، ماهی می‌گیرم. کلاه‌ماهی، کله‌ماهی، کاسه‌ماهی و کس‌ماهی. در شهری که زندگی می‌کنم،
کالاهای حیاتی با کاف شروع می‌شوند و من کفم از این‌همه کاف می‌برد و البته گاهی هم کف‌ری می‌شوم.

به چه امیدی راه می‌روم؟
وقتی تو نیستی
دیگر کلاه‌هم را برای کسی بر نمی‌دارم

تمام الفها را بدون کلاه می نویسم

وقتی تو نیستی

گل برگها را کس برگ می بینم

وقتی تو نیستی

شانس من کیری است

غیر از کس ماهی چیزی گیرم نمی آید!

— بیا یه کس متال جدید برات بذارم، حالت کلی عوض می شه

وقتی تو نیستی دوستان کیری دورم را می گیرند

— بیا بریم! دوتا کس یخ مهمون من، همچین بزنییم یه کم خنک شیم

وقتی تو نیستی سرما اسیرم می کند

انگار وسط کس باد نشسته باشم

— بیا یه دونه گردنبند کس شغال بنداز گردنت، دیگه همیشه شانس با توئه

اگر شانس ما شانس بود کیر خر آدامس بود

وقتی تو نیستی این نزدیکترین ضربالمثل به احوال من است

— اگه هزارتا کس از آسمون بیاره، یکی ش سر کیر ما نمی افته ولی اگه یه کیر از آسمون بیاد، صاف میره تو کون ما

وقتی تو نیستی از آسمون من فقط کیر می باره

از نشانه‌های کس مخی که دچار آن شده‌ام، یکی احساس سوزش اندک در ناحیه کسینوس کیر و دیگری کس‌بالو چیدن چشم‌هایم و کس‌لنگ زدن پاهایم می‌باشد. این‌ها تشخیص دکتر من است و پیشنهاد کرده بروم کس‌درمانی یا کس‌یوتوراپی. به هر حال من یکی از این دو راه را دارم. به گفته‌ی دکترم اگر در معالجه تعلل کنم، ممکن است مرض به کسیناس مغزم برسد و دچار کس‌مغزی بشوم. در این حالت محال است آدم به زندگی برگردد و همیشه در کسما می‌ماند.

طبق پرس و جوهای من، کس‌درمانی به صرفه‌تر است، چرا که دوره‌ی درمان کوتاه‌تر و در نتیجه هزینه کمتری دارد. به قول کسفیکونوس فیلسوف باستانی ما، هر کس مشنگی فرق بیشتر و کمتر را می‌داند. قبلا یعنی قبل از این که به کس‌مخی دچار بشوم به شدت عاشق فلسفه بودم. در بعضی شاخه‌های فلسفه مثل کسیات و کس‌عبلات استاد شده بودم. اصول فلسفه‌ی ما دو شاخه دارد: یکی اعتقاد به این که بشریت به دو دسته‌ی کس‌مشنگ و کس‌ملنگ تقسیم می‌شود و منشا این دو کاسم می‌باشد. این دیدگاه به شدت کساتریالیستی است. دوم دیدگاهی است که ماهیت اشیاء را روح‌الکسوس می‌داند و در واقع اعتقادی کسافیزیکی محسوب می‌شود. مردم شهر ما هم معمولا در یکی از این دو دسته جا می‌گیرند، منتها من هنوز مطمئن نیستم کدام طرفی‌ام. گاهی وقت‌ها طرف‌دار کاسم‌ام و گاهی هم طرف‌دار روح‌الکسوس. اما الان که دچار کس‌مخی‌ام چیزی راجع به خودم نمی‌دانم.

کس نداند حال من بی تو چگونه گشته است

هرچه در عالم بود دورِ سرِ من گشته است

مانده و درمانده‌ام از حال من غافل مباش

حال من در عشق تو چون بلبل سرگشته است

کجا بروم از این بی کسی؟
 ای کس تمام کس‌ها!
 آیا مرا تنها گذاشته‌ای؟
 دیگر با چه کسی به سر بشوم؟
 دیگر چه کسی به خوابم بیاید؟
 آیا هنوز خوابم؟
 کی سر از این کابوس وحشتناک بر خواهم داشت؟
 آیا خواهم داشت؟
 چه کسی خواهم داشت؟

برای کس درمانی رفتم تحت معالجه‌ی یکی از حرفه‌ای‌ترین دکسترهای شهر. او مرا ویزیت کرد. اصلا فکر نمی‌کردم اوضاع کسمانی من تا این حد خراب باشد. دکستر اسم مرا در لیست کسماران‌ش نوشت. علاوه بر کساوره باید رژیم غذایی هم می‌گرفتم. مصرف کسترول ممنوع، خورش کسنجان ممنوع، کس باقالا ممنوع، کستنبل‌ی ممنوع و تنها می‌توانستم انواع ماهی‌ها و کسویجات را مصرف کنم. در بین میوه‌ها باید از کسجه، کسو و کسدوانه پرهیز می‌کردم و به جای این‌ها تا می‌توانستم کستغال و کسلابی و کسیلاس می‌خوردم تا جلو رشد بیماری گرفته بشود.

روح‌الکسوس من ای کایس‌الکساس،
 ای کس‌ترین کس‌خشته، ای مکسوس‌الکسیون
 برس به داد کس‌مخی‌ام

این کستابی که در کسِ روی شماست یکی از آخرین کسشته‌ها و کسروده‌های من است قبل از کسار شدن من به کس
 مخی، لذا از کسا می‌کساهم که این کساب را بکسانید به کست کس‌ترم تا کساید بکساند مرا کسمان کسند.

ای کسا مکسوسِ تو کس کس کسم
 با کسات مشکوس اکواسِ کسم
 کس کسم کس کس کسم کس کس کسم
 کس کسِ کس کس کسِ کس کس کس

فقط به خاطر دول

□

قول می‌دهم

به تو کلفت‌تر از کمرت نگویم

اما تو از بچگی شق القمر بوده‌ای

باسنات خورشید را قورت می‌دهد

مثل خسوف

بلوف می‌زنم

تا در پشتِ تو رشد کنم

در نقش بابا برقی

کمرت را برق کشی کنم

با دکل‌های فشار قوی

تا همیشه روشن باشی

مامانت می‌گه هالوژن غورت دادی؟

پدرت می‌گه چراغ خطر خوردی؟

و تو به دسته‌ی ماهیتابه اشاره می‌کنی

مثل اشاره‌ی مسیح به یهودا

□

□
پیراهنت زیگزاگ شده بود
دامنت زیگورات
لباس‌هایت همیشه از پله بالا می‌رفت
و من در پایین‌ترین پله
منتظرِ لختِ تو بودم
□

همیشه منتظر کنید
تا شما را منتظر نکنند

□
من تو را قبل از ما قبلِ بشر دیده‌ام
موقعی که حشر بودم
در یک دستات حشره‌کش
در دست دیگری دم‌پایی
به صورتِ لخت
زل زده بودی به ظلّ گرما
مثل پشه‌بندِ زیر آفتاب
زبان من
مثل سینه‌بندِ تو بند آمده بود
□

□

دنبالِ کسیِ تو اُس شده بودم
 مثل سس
 اگه می‌خوای ساندویچت دو نون باشه دستت رو ببر بالا
 اما تضمین نمی‌کنم
 نانِ اضافه از گلوی تو فرو برد
 مثل سال پیش که یُبس شده بودی
 به سنگ توالت قسم تو را دوست داشتم
 حتا یبوستات را
 چیزی که ما را از هم جدا کرد معدهات نبود؟
 تو ساندویچ مرا دوست نداشتی
 از زیردستی شدن ابا کردی
 اما من تو را در عبايم پیچیدم
 اگه نمی‌خوری بذار تو بشقابت!
 اما تو ساندویچ مرا قاب کرده بودی به دیوار
 حیف این همه سس
 که پایِ کسیِ تو ریختم □

در کس اصراف نکنید
تا از کیرتان صرف نظر نکنند

□

من با صاحب منصبِ لامصّبم
 لایِ جرّز دیوار گیر افتاده بودیم
 جرّزی که به طور جدی ما را تنگ گرفته بود

چرا این جا بویِ ملات میاد؟

چراغ قوه‌ی صاحب منصبم روشن شد
 چیزی که حرف او را تایید می‌کرد
 زندگی ما را تهدید می‌کرد

ولی این جا بوی مطب میاد!

صاحب منصب سرنگ‌اش را غلاف کرد
 غافل از این که دندان‌های من قفل شده‌اند
 او جا زده بود
 و من جا خورده بودم.

□

□

تو از زمره‌ی مادر قهوه‌ها بودی
از خطه‌ی شیر قهوه
که تنها زیر نور چراغ‌قوه لخت می‌شدی

اما چراغ‌قوه‌ی من باطری نداره!

حاضری با یک شمع بخوابی؟
یا از شرتم چراغ‌نفتی بیاورم
برای باروتِ تو روی‌ات افتادن کافی است
حتا اگر به خودم نارنجک نبندم
از ویروس‌کشِ مک‌کافی بیشتر تلافی می‌کنم
منفجر می‌شوم و تو جر می‌خوری

□

من یه مامان می خوام

- .
- .
- .
- .
- .
- .
- .
- .

مامانی به خوشگلی مامانِ شما

□

هر گردی گردو نیست
یزگرد هم به اندازه‌ی باسنِ تو گرد نبود
زیرا مثل تو زیر درختِ گردو نداده بود
هنوز جای زانوی تو پایِ درخت چال مانده است
چرا گردو بازی نکنیم؟
با سوراخی به این گردی

اگه مردی پشت به من بازی کن!

□

هیچ وقت به کسی پشت نکن
مگر در جنگ

□

بعد از کلنجر، به چمنزار آدمم

در دستانِ من کلم پیچ

در دستِ تو هوپچ

پیچیده‌ای که بیچی

دورِ یک گردنه

من در یک تنگه

اما دماغه برای لنگر انداختن بندر نیست

هیچ‌جا از خلیج بهتر نیست

برای ناخدا از این بدتر نیست

یک سوراخ بیشتر برای لنگر نیست

□

□

با خط کشم خطی کشیدم که تو جیغ کشیدی
من خطم را در دفتر تو کشیدم
کاغذ بی خط تو صاحب خط شد
خط کش بی مغز من صاحب کرامت شد
حالا تو زنی
من هم مردم

اگه دردت اومد یه قدم برو عقب
مواظب پشت سرت باش!

□

□

بشاش تر از من شاش است

وقتی مجرای تناسلی را

از آب منی پاک می کند

□

□
از لبت سوارِ اتوبوس شدم
تا سینه‌هایت سرِ پا ایستادم
به باسنات که رسیدم نشستم
ایستگاه بعدی کسِ تو بود
من در کسِ تو از اتوبوس پیاده شدم
□

□
از جلو به صراط آمدی
: عجلو بالاصلا
اما من باز هم
به عقب تو اقتدا کردم
□

□

عقرب از عقب نیش می زند

من از جلو

تو از عقب می خوری

هم از جلو

□

□

کسی که تو را سوار کرد

روی تختاش پیاده کرد

کسی که سوارِ تو شد

تا صبح پیاده نشد

□

□

از جلو به نظام بودی
و از جلو سلامت می کردیم
گاهی که پرپود بودی
حجه الاسلامات می کردیم
و تو سلام را به اسلام ترجیح می دادی
چون این الف از جای خوبی هم کلامات نمی شد

□

دختر باکره و زنِ پریود
همیشه نصیبِ هر کس نمی‌شود

□

کمرت را باریک کرده‌ای که باسنات مسحورم کند
الهی خدا با کونات محشورم کند
تا روزِ حشر که همه نامه به دست دارند
کمرت را به دست بگیرم

رویِ پلِ صراط می‌کنمت!

□

□

ما در بزرگراه شهید قندی
 جلو بندی‌اش را پایین آوردیم
 او را خواباندیم عقبِ پیکان
 و با نوکِ پیکان
 پلکان‌اش را هدف گرفتیم
 وقتی به خودش آمد ترافیک شده بود
 تا تعمیرگاه از دنده‌ی عقب‌اش رفتیم
 وقتی شاکی شد عقب‌بندی‌اش را پایین آوردیم
 در کمربندی
 از او یک اتاقک ماند
 که وسطِ بزرگراه پیاده شد

□

□

من با زخم یک بادزخم

زخم خودِ بادزن است

من دسته‌ی بادزخم

وصل شده‌ام به لایِ زخم

هر کس مرا تکان دهد زخم را تکان داده

و هر کس زخم را تکان دهد مرا تکان داده

□

اگر مردی زن تان را تکان داد
تکان نخورید



اگر می‌خواهید زخم را تکان دهید
مدارک ذیل را برای آدرس زیر
ارسال کنید:
عکس ۳ در ۴ یا بزرگ‌تر
کپی تمام صفحات شناسنامه
تصویر اسکن شده از کیر در مقیاس
شماره تلفن



tirdad.tabarzadeh@gmail.com



اگر خوش داری زنت را بکنند
زنم را بکن

□
خودم را شل کرده بودم
مثل حضرتِ سُل
تا لایِ دو ر می فالش بزنم
خودت را سفت کرده بودی
تا گیتارم را بگیری
دخالت‌های تو آهنگام را بهم می‌ریزد
شروع می‌کنم با کونِ تو دف زدن
تا این دفعه فالش‌ام را جایِ دیگری بزنم

□

بعد از شادی غم است
بنابراین
یک بار کم است

□
از این که به هیئت ریشِ شما در آمده‌ام، پشمام
سریش شده‌ای به من و من سر تا پا خشمام
هی مرا نهی از منکر می‌کنی و من دختر می‌کنم
صد سال دیگر آدم می‌شوم، به روی چشم‌ام
□

توالت چیزی شبیه آلتِ توست
و این مسئله ربطی به حالتِ تو ندارد
از این بابت رنگم به زردیِ ادرارِ تو گراییده
بدون این که پاییز باشم
تعجب کنم یا انگشتم را به لبِ سوال بگزم؟

□
روزی که از درِ عقب‌ات آمدم
زنگِ خطرت را زدی
پدرت آمد: چه خبر شده؟
گفتم آتش‌نشانی‌ام
آمده‌ام دخترت را با شیلنگ‌ام خاموش کنم
پدرت شیلنگ‌اش را درآورد
تا زودتر خاموش‌ات کنیم

□

□

دوست دخترم که پرپود شد

شرت خونی مُد شد

رنگ قرمز از آن جا

وارد آفتابه و پرچم ایران شد

□

□
اعتراف می‌کنم به نافم
که همیشه زیرِ لحاف است
به کافم که در کافِ تو شیاف است
اعتراف می‌کنم به لام
به لامپی که خاموش شد
و شکافی که سوراخ موش شد
دیواری که جیغ کشید و بی‌هوش شد

□

□

سنّ من از باسنِ تو بیشتر است

باسنِ تو از سنّ پهن تر

از خلیج فارس بزرگ تر

من حشرم بی ترمز

در سرایشی تنگه‌ی هرمز درنگ کرده‌ام

چاه نفتی که زده‌ام با خیلی‌ها شریکم

تلمبه به نوبت

این نفت که بشکهای درشکه دلار است

هر شب در عرشه‌ای سوار درشکهای است

درشکه سواری به نوبت

از بس عربی کرده‌اند این خلیج فارس را

فارسی جواب نمی‌دهد این باسنِ عربی را

مانده‌ام از شیرم با چه زبانی نفت بریزم!

□

□

من با بیضه‌ام
چسبیده‌ام به نیزه‌ام
دشمنِ سوراخم،
همیشه در جهادم
از هر جهت جوادم
برای جوانه‌ی شما
دست به نیزه‌ام

تسلیم شو
یا تسلیمات می‌کنم

□

□
اگر حرفی نداری خایه دارم
اگر رغبت نداری مایه دارم
اگر تنها کفافات را ندادم
دو سه تا مرد دیگر پایه دارم
□

□

من با همسرم در بسترم بودم
که یک عنتر آمد با خنجر بالای سرم
اشاره کرد به همسرم
گفت همسرت را ببرم یا تو را بدرم؟
گفتم کجا ببری؟
گفت به بسترم
گفتم خاک به سرم

□

□
موقع لیس زدن کیرم به آلیس فکر کن
کیر من در سرزمین عجایب کیم است
□

□

از روزی که شهردار کیر من است
لایِنِ راستِ خیابان‌هایِ شهر،
از لایِ پایِ تو می‌گذرد
(چون راست دستم)
ترافیکی که لایِ تو بوق می‌زند
بالایِ تو آروغ می‌زند
تو از همه عوارض می‌گیری
حتا از عارضه
که لایِ تو را مریض کرده است

مالیات من یادت نره!

□

□

زخم با این همه سوء سابقه
 شده اسبِ مسابقه
 کمال و جمال و نقی و تقی
 رضا و حسین و من و مابقی
 سوارش شدیم
 و او همه را به مقصد رساند
 ما در عجبیم

بوالعجب کسی است که بول کند به عجب
 در ماهِ رجب
 و یک وجب روغن روی بولش تاول بزند

□

□

کسی که کونات گذاشت
قصد بدی نداشت
کونات را کس پنداشت
زیرا عجله داشت

منو ببخش!

□

□

وقتی کشاله‌ی تو به کاشان رسید

کیر من به کرمان رسید

و در زاهدان وارد زاهدان تو شد

□

□

باسن تو حرف های زیادی برای گفتن دارد

کو گوش شنوا

که از زیر این همه لباس

تو را بشنود

□

□

پشت خاکریزها دمر خوابیده‌ای
ما در کمرت محاصره شده‌ایم
لشکر دشمن در پشت تو پیشرفت کرده است
ما به عقب عقب زده‌ایم
آن‌ها لای پای‌ات مین گذاشته‌اند
روی ستون فقرات‌ات تک تیرانداز
و دور گردن‌ات را سیم خاردار کشیده‌اند
یک نفربر با تمام نفرات‌اش به سمت باسن تو می‌آید
ما چاره‌ای نداریم به جز شهادت
جاده‌ای نداریم به جز درز ماتحتات

حاجی بپر رو مینا!

□

توپ تانک مسلسل
کونِ تو را پاره کرد

□

حاضرَم در ازای تو بزایم

اگر بگذاری در جایِ زادِ تو بگذارم

مگر خبیث باشم که از نصیبِ تو بگذرم

از این سیب زرخدانِ ملخدان نمی گذرم

□

□
کسی که خیابان‌ها را خط‌کشی می‌کند
جاکشی می‌کند
زن‌ها از دامن خیابان به معراج می‌روند
□

پسری هستم خوب و محبوب
به یک دختر خانم با مشخصات زیر محتاجم

سبزه
شاسی بلند
سرندی پیتی

لطفا با من تماس بگیرید
tirdad.tabarzadeh@gmail.com

□
وقتی کار به جاهای باریک می کشد
اتاق تاریک می شود
تو مرا به چالش می کشی
و من تو را به بالش می کشم
□

نامه‌ای سرگشاد به یک کون‌گشاد:

ای رفیقِ شفیق و کون‌گشاد من! هم اکنون که دارم برای این نامه را می‌نویسم، در حالِ جلقِ زدنم، چون به لطفِ کونِ شما دچار شده‌ام و ایدز گرفته‌ام. من با تمام وجودِ کیرم و خایه‌های بی‌وجودم، از شما معذرت می‌خواهم و اعلام ندامت می‌کنم از این‌که باعث گشادیِ کونِ شما شده‌ام، البته شما هم موجب سوزاک کیر من شده‌اید، و در واقع بی‌حساب شده‌ایم، اما من ادب را بر آن دانستم که در حضور تمام هواداران خود از شما عذرخواهی کنم. در این‌جا شما و تمامی مخاطبان این نامه را وصیت می‌کنم به جلقِ زدنِ چنانچه مرید و چنانچه بانوان اید شما را سفارش می‌کنم به موز و خیار و بادنجان، چرا که برای سلامتی شما ضرر ندارد.

□

چرا عاقل کند کونی که باز آرد پشیمونی؟

□

برو جلق می‌زن مگو چیست جلق

که سرمایه‌ی نوجوانی است جلق

□

من اندر کون و کس خیری ندیدم

از استغنا به استمنا رسیدم

□

دلَم برایت تنگ شده تنگ‌تر از سوراخ کونت

تیرداد تبرزاده

هدیه تیرداد تبرزاده

رساله‌ی ساکیه

مقدمه:

روایت شده است که روزی سر کلاس بچه‌های پزشکی، استاد داشت درباره‌ی ترکیب منی توضیح می‌داد: منی متشکل از بعضی پروتئین‌ها و انواع قندهای مختلف است.

یکی از دخترهای کلاس می‌گوید: اگه توش این همه قنده پس چرا شوره؟

نقل کرده‌اند که کلاس منفجر می‌شود

وقتی آن دوشیزه خانم بلند می‌شوند که از کلاس بروند بیرون، استاد خطاب به ایشان می‌فرماید: فکر می‌کنی شوره چون گیرنده‌های شیرینی نوک زبونه.

رساله ساکيه

ساک زدن با دهان سر و کار دارد، مثل مسواک زدن که با دندان طرف است. اعضا و جوارحی که در گیر کار ساک زدن هستند، یکی لب است، دیگری زبان و سوم دست. البته استفاده از دست در ساک زدن یک حرکت ناشیانه است یا بهتر است بگوییم متقلبانانه؛ چرا که ساک زدن را با جلق زدن پیوند می‌دهد. زنانی که در ساک زدن از دست استفاده می‌کنند، چندان علاقه‌ای به ساک زدن ندارند و می‌خواهند این عمل زودتر تمام شود. این مسئله در مورد مردان نیز صادق است. استفاده از دست در ساک زدن باعث تسریع در انزال می‌شود.

ساک زدن از دهان کس درست می‌کند، یا به عبارتی کس، صورت پیدا می‌کند؛ کس صاحب چهره می‌شود. چهره نقش مهمی در سکس دارد (برای بعضی سلايق) بنابر این می‌توان نتیجه گرفت مردانی که برای‌شان چهره‌ی زن نقش مهمی در سکس دارد، تمایل بیشتری به ساک زده شدن دارند و همین‌طور زنانی که در سکس تنها به کیر و ابعاد طلايي آن می‌اندیشند به ساک زدن متمایل‌ترند.

ساک زدن، سکس کردن با چهره‌ی زن است. کیر در چهره‌ی زن فرود می‌آید، انگار کیر به خود زن، به نفسِ زن نزدیک شده است. کیر به مرکزِ زن (مغز = چهره) نزدیک شده است. وقتی کیر در کس یا کون بالا و پایین می‌شود، در واقع برای رسیدن به این مرکز بی‌تابی می‌کند؛ اما موقع ساک زدن دیگر نیازی نیست کیر بالا و پایین بشود، دیگر نیاز نیست کیر بی‌تابی کند، چرا که در مرکز است و حالا این زن است، این سر است که جلو و عقب می‌شود و برای مرکزِ مرد بی‌تابی می‌کند. مرکز مرد کجاست؟ سر یا خایه؟ بگذریم! ساک زدن نوعی فاعل شدن زن در سکس است، (از این نظر تلمبه زدن زن نیز مانند ساک زدن است) نوعی گفتن است چرا که با دهان سر و کار دارد، اما کلمات جای خود را به کیر داده‌اند، همان‌طور که گفتن با کلمات بازی می‌کند، دهان با کیر بازی می‌کند. نهایت این بازی کجاست؟ این بازی نهایتی ندارد مگر به اتفاق طرفین.

آب منی می‌تواند در سه موقعیت از کیر خارج شود. زمانی که کیر در ته دهان است در حلق، یا وقتی کیر در میان یا ابتدای دهان است در مدخل دهان، و یا وقتی کیر از دهان بیرون کشیده شده روی لب‌ها یا روی صورت و هر جایی دیگر. هر کدام معنی خاص خودش را دارد. و از آن‌جا که ما دنبال معنا نیستیم در این مورد بحث نمی‌کنیم.

ساک زدن معیار خوبی برای تقسیم بندی زنان و مردان است، البته کارآیی آن در مورد تقسیم بندی زنان بیشتر است.

زنان

A زنانی که ساک زدن را دوست دارند

Aa₁ زنانی که در ساک زدن ملزم به رعایت اصول بهداشتی‌اند

Aa₂ زنانی که در ساک زدن وسواس چندانی ندارند

Ab₁ زنانی که در ساک زدن از لیسیدن استفاده می‌کنند

Ab₂ زنانی که در ساک زدن از زبان استفاده نمی‌کنند

Ac₁ زنانی که بعد از ساک زدن لب‌شان را با زبان‌شان تمیز می‌کنند

Ac₂ زنانی که بعد از ساک زدن لب‌شان را با دست یا چیزی غیر از زبان تمیز می‌کنند.

Ad₁ زنانی که ریخته شدن آب منی روی صورت یا خوردن آب منی لذت می‌برند.

Ad₂ زنانی که از این مسئله خوش‌شان نمی‌آید یا از آن به شدت ابا دارند

B زنانی که ساک زدن را دوست ندارند

Ba₁ زنانی که به دلایل پزشکی ساک زدن را دوست ندارند

Ba₂ زنانی که به دلایل شخصی ساک زدن را دوست ندارند

مردان

A مردانی که ساک زدن را دوست دارند

Aa₁ مردانی که فرقی نمی‌کند چه کسی برای‌شان ساک می‌زند

Aa₂ مردانی که دوست ندارند بعضی‌ها مثلاً زن‌شان یا دوست دختر فابریک‌شان ساک بزنند

Ab₁ مردانی که در حین ساک زدن آرام‌اند

Ab₂ مردانی که در حین ساک زدن بی‌قرارند

Aba₁ مردانی که موقع ساک زدن به خودشان ور می‌روند

Aba₂ مردانی که موقع ساک زدن به فرد ساک زننده ور می‌روند

Ac₁ مردانی که دوست دارند در چشمان فرد ساک زننده یا در صورت او نگاه کنند

Ac₂ مردانی که دوست دارند به عمل ساک زدن یا به اندام ساک زننده نگاه کنند

B مردانی که ساک زدن را دوست ندارند

در آخر تحلیل موارد بالا را به اهل آن وامی‌گذارم و آرزو می‌کنم که ساک در جهان‌بینی شما نقش مثبتی را ایفا کند. بدرود.

خدایا تشنگانِ عشق را سیراب کن!



تمثال مبارک تبرالاسلام

در نهایت این کتاب یادی می‌کنم از جد بزرگوارم که هرچه دارم از اوست. از افتخارات ایشان نقل کرده‌اند که ایشان به تنهایی با دسته تبر خویش وارد حرمسرای ناصرالدین شاه می‌شوند و شمار بی‌شماری از زنان آن شاه بخیل را از دم دسته تبر می‌گذرانند. ایشان توسط مادر ناصرالدین شاه لو می‌روند و در حمام فین کاشان در آغوش میرزا تقی خان امیرکبیر اخته می‌شوند. روحش شاد و راهش پر رونده باد.

و اینک سند تاریخی خانواده‌ی تبرزاده مبنی بر قول بالا به خط مبارک تبرالاسلام:

با میرزا تقی خان امیر کبیر شسته بودیم بر سر یک کبر
 شخصی که خودش را معرفی نکرد آمد و ما را کرد تا ما به خودمان
 حسدیم کبر ما را زدند میرزا آمد که مانع شود رک او را نیز زدند
 آری این است سرانجام مردمان حایه دار

شامپو جلق AVE ساخت فرانسه تحت لیسانس پیترانند جرج انگلستان

هر برچسب یک امتیاز

مهلت ارسال برچسب‌ها: سه ماه پس از خواندن این آگهی

تاریخ قرعه کشی: سه ماه پس از ارسال برچسب

تنها با ارسال یک برچسب روی شامپو جلق AVE در پاکت نامه‌ی مخصوص قرعه کشی AVE در این قرعه کشی شرکت نموده و یکی از برندگان خوش‌شانس ما باشید

۱- صرفاً برچسب روی محصول شامپو جلق AVE در قرعه کشی شرکت داده خواهد شد.

۲- پاکت نامه مخصوص این قرعه کشی در کلیه مراکز عرضه و فروش این کالا در سراسر کشور در دسترس می باشد.

توجه: قوطی شامپو جلق به شکل کیر مصنوعی ساخته شده تا خانم‌ها هم بتوانند از آن استفاده کنند

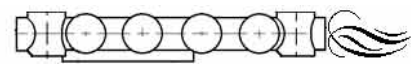
با شامپو جلق AVE طعم متفاوت کس را تجربه کنید

جوایز:

۱۱۰ کس برای نفرات برتر

۱۱۰ کون برای نفرات عنتر

۱۱۰ دستگاه جلق زنی بدون نیاز به دست برای نفرات بدتر



www.mindmotor.org